

سیمای صالحان در قرآن و روایات

مؤلفان :

طاہرہ سعادت قر

سید محمد علی ظہرا بی اصل

سید قدرت موسوی ارشد

چویل ۱۳۹۴



صحت فورسز پولیس
دہلی
مہارہ گاہستان ملی



سیمای صلاح خان در فرین و روایات

مؤلفان : - طاهره سعادت فر
- سید محمد علی ظہرابی اصل
- سید قدرت موسوی ارشد
صفحہ آرایی : چاپ باربد یاسوج
ناشر : چویل
سال نشر : ۱۳۹۴
تعداد صفحات : ۳۱۷ صفحه
قطع : وزیری
قیمت : ۱۱۰۰۰ تومان
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۱-۴۰-۷

آدرس: یاسوج، خیابان ارم، فرعی ۹، پلاک ۱۰
تلفن: ۰۹۱۷۷۴۱۰۵۹۴

فهرست مطالب

۹	نیایش
۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۳	ریشه‌های عبادت
۱۵	چگونه عبادت کنیم؟
۱۹	فصل اول: نیکوکاران در قرآن
۱۹	انسان نیکوکار در قرآن
۳۰۱	فصل دوم: نیکوکاران در نهج البلاغه
۳۰۹	فصل سوم: مومنان در روایات و احادیث اسلامی
۳۱۵	فهرست سوره‌ها و آیات مرتبط
۳۱۷	منابع

پیشگفتار

انسان موجودی رمز آلود و اسرار آمیز است. ابعاد وجودی او بسیار گسترده تر از آن است که دست شناخت به او برسد. به رغم کوشش های فراوانی که در طول تاریخ برای حل معمای وجود آدمی انجام شده هنوز رازهای بی شماری است که ناگشوده مانده است. علیرغم اعتقاد ما به اینکه انسان موجودی است پیچیده و ناشناخته اما در این نوشتار سعی شده ویژگی های انسان مؤمن را هر چند به صورت مختصر از برخی آیات و سوره های قرآن و کتاب مبارک نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و سایر منابع اسلامی استخراج و جمع بندی شود منظور از انسان مؤمن، انسان های با تقوا و پرهیزگار است که به خداوند ایمان آورده و اعمالشان مورد پذیرش خداوند و اولیاء خداوند باشد. بدیهی است چنین افراد، افرادی شایسته و وارسته می باشند.

اصولا شناخت انسان هم به صورت عام و هم در دیدگاه دینی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شناخت آدمی و راز و رمز وجود او دریچه نوینی از خداشناسی را فرا روی ما می گشاید. انسان یگانه مخلوقی است که می تواند مظهر و آینه تمام نمای حق باشد و از این رو درون آدمی نیز همانند عالم برون کانون آیات الهی است. اهمیت انسان شناسی به معنای عام آن چندان نیازی به توضیح ندارد. تفاوت عمده انسان شناسی با دیگر حوزه های پژوهشی آن است که در اینجا مسئله شناخت آن در میان نیست بلکه پای شناخت من در میان است. قرآن مجید غفلت از خویشتن خویش را ملازم با فراموش کردن خدا می داند و در روایات نیز بر این ملازمت تاکید شده است.

افزون بر این ها انسان شناسی با دیگر آموزه های اعتقادی و اخلاقی و حقوقی اسلام رابط های تنگاتنگ دارد به گونه ای که فهم درست این تعالیم بدون شناخت انسان میسر نمی گردد.

از این رو هر نتیج‌های که از مطالعات انسان شناسانه به دست آید می‌تواند در تفسیر ما از فلسفه حیات خود و جایگاه ما در جهان و رابطه ما با دیگر اجزای هستی نقش آفرینی کند و معنای خاصی به زندگی ما ببخشد. نظر به اینکه در دین مقدس ما مسلمانان اولین و با اهمیت‌ترین و والاترین مرجع جهت آگاهی از نقاط مبهم و سؤالات اساسی و سایر امورات زندگی دنیا و آخرت‌مان کتاب مقدس و ملکوتی قرآن می‌باشد لذا در این کتاب ابتدا ویژگی‌های نیکوکاران را در کتاب الهی و مقدس (قرآن) یافته‌ایم و می‌آوریم و در ادامه سیمای این برگزیدگان و فرهیختگان در دومین مرجع دینی مان یعنی نهج البلاغه بررسی خواهد شد. در قسمت پایانی سیمای نیکوکاران در میان کلام ائمه آورده شده است.

مقدمه

بسیاری از نظریه‌ها و مباحثی که امروزه در شاخه‌های مختلف علوم مطرح هستند بر پیش فرض‌های خاص انسان شناختی استوارند. مسئله مهم و اساسی این است که منظور ما از انسان چه انسانی است؟ و اساساً انسان شایسته چه ویژگی‌هایی دارد؟

فلسفه آفرینش انسان، بندگی و عبادت و عبودیت است. این صریح کلام الهی در قرآن کریم است که می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

جن و انس را، جز برای پرستش و بندگی خود نیافریدم. این حکمت و هدف والا، سرلوحه همه رسولان الهی نیز بوده است. در قرآن می‌خوانیم:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»

در هرامتی پیامبری برانگیختم که (به مردم بگویند): بنده خدا باشید و از طاغوت

بپرهیزید.

ناگفته نماند که این بندگی کردن، سودی به خدا نمی‌رساند بلکه مایه عزت و سعادت خود انسان است و گر نه خداوند بی نیاز مطلق است

ریشه‌های عبادت

۱) عظمت خدا

برخورد با یک شخصیت برجسته، انسان را به تواضع و می‌دارد، دیدار با یک دانشمند بزرگ، آدمی را به تکریم و احترام و می‌دارد، چون که انسان در برابر عظمت و دانش آن شخصیت و این دانشمند، خود را کوچک و کم سواد می‌بیند. خداوند، مبداء همه عظمت‌ها و

جلال‌هاست. شناخت خدا به عظمت و بزرگی، انسان ناتوان و حقیر را به کُرنش و تعظیم در برابر او وامی‌دارد.

(۲) احساس نیاز و وابستگی

انسان، عاجز، نیازمند و ناتوان است و خداوند، در اوج بی‌نیازی و غنای مطلق، و سرشته‌دار امور انسان‌هاست. این هم عاملی است، تا انسان در برابر خداوند بندگی کند.

(۳) سپاس نعمت

توجه به نعمت‌های بی‌حساب و فراوانی که از هر سو و در هر زمینه ما را احاطه کرده، قوی‌ترین انگیزه را برای پرستش پروردگار ایجاد می‌کند. نعمت‌هایی که حتی پیش از تولد شروع می‌شود و در طول زندگی همراه ماست و در آخرت هم (اگر شایستگی داشته باشیم) از آن بهره‌مند خواهیم شد. قرآن به این نکته اشاره کرده و به مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ باید خدای کعبه را عبادت کنند، خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد و از ترس، ایمن ساخت.

(۴) فطرت

در سرشت انسان، پرستش و نیایش وجود دارد. اگر به معبود حقیقی دست یافت، که کمال مطلوب همین است، و اگر به انحراف و بیراهه دچار شد، به پرستش معبودهای بدلی و باطل می‌پردازد. بت پرستی، ماه و خورشید پرستی، گوساله و گاو پرستی، نمونه‌هایی انحرافی است که وجود دارد، کسانی هم پول و مقام و همسر و ماشین و مدال و... را می‌پرستند.

انبیا آمده‌اند تا فطرت را در مسیر حق، هدایت کنند و انسان را از عبادت‌های عوضی نجات بخشند. حضرت علی علیه السلام در مورد بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْاَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ

خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت، تا بندگان را از بت پرستی به خدا پرستی دعوت کند.

روح عبادت در فطرت انسان نهفته است و اگر درست رهبری نشود به عبادت بت و طاغوت می گراید. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست، ولی اگر راهنمایی نشود، کودک خاک می خورد و لذت هم می برد. بدون هدایت صحیح این گرایش فطری نیز، انسان به عشق های زودگذر پوچ یا پرستش های بی محتوای انحرافی دچار می شود.

چگونه عبادت کنیم؟

مگر نه اینکه نشانی هر خانه را باید از صاحب خانه گرفت؟ و مگر نه اینکه در هر ضیافت و مهمانی، باید نظر میزبان را مراعات کرد؟ عبادت، حضور در برابر آفریدگار است و نشستن بر سر مائده های معنوی که او برای بندگان خود فراهم کرده است. پس، چگونگی عبادت را هم از او باید فراگرفت و به دستور او عمل کرد و دید که او چه چیز را عبادت دانسته و عبادت را به چه صورت از ما طلبیده است؟ غیر از شکل ظاهری عبادات، به خصوص نماز که بیشتر در چگونگی آن سخن خواهیم گفت، محتوای عبادت را باید از دید اولیای دین و متن مکتب شناخت و به کار بست. بهترین عبادت ها آن است که :

(۱) آگاهانه باشد

دو رکعت نماز انسان آگاه و دانا، از هفتاد رکعت نماز شخص نادان برتر است. و عبادت کننده ناآگاه، همچون الاغ آسیاب است که می چرخد ولی پیش نمی رود. (۶)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که دو رکعت نماز بخواند و بداند با که سخن می‌گوید، گناهانش بخشیده می‌شود. (7) در این صورت است که نماز، معراج روح می‌شود و عامل بازدارنده از فساد و موجب قرب به خدا می‌گردد.

(۲) عاشقانه باشد

آنچه موجب نشاط روح در عبادت می‌شود و عابد از پرستش خود لذت می‌برد، عشق به الله و شوق به گفت و گوی با اوست.

عبادت‌هایی بی روح و از روی کسالت و سستی و خمودی، نشانه نداشتن شور و شوق نیایش و نجوا با پروردگار است. در دعا می‌خوانیم:

وَاجْعَلْ نِشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ

خداوند! نشاط مرا در عبادت خودت قرار بده.

آنان که از عبادت لذت نمی‌برند، همچون بیمارانی هستند که از غذای لذیذ، لذت نمی‌برند.

اگر این شوق و عشق باشد، دیگر چندان نیازی به تبلیغ، تشویق و تحریک از بیرون نیست، بلکه انگیزه درونی انسان را به عبادت وامی‌دارد و آنگونه که برای دیدار شخصیت معروف و محبوبی، لحظه شماری می‌کنیم و از آن دیدار، مسرور می‌شویم، از عبادت هم به وجد و نشاط می‌آیم.

برای عاشقان، شنیدن صدای اذان اعلام فرا رسیدن لحظه دیدار است. پیامبر اسلام به بلال می‌فرمود: اَرَحْنَا يَا بلال اَي بلال! ما را از غم و تلخی نجات بخش. این شوق زاید والوصف آن حضرت را به نماز می‌رساند.

(۳) خالصانه باشد

هیچ چیز همچون ریا و خودنمایی و مردم فریبی، آفت عبادت نیست. از طرف دیگر، هیچ چیز چون خلوص، ارزش آفرین عبادت و نماز نیست. البته داشتن اخلاص در عبادت

بسیار دشوار است، و دل و جان را از تهاجم وسوسه‌های ابلیسی رها کردن، رنجی بزرگ دارد و همتی بلند و اراده‌ای نیرومند می‌طلبد. عبادت تا خالص نباشد، در درگاه الهی پذیرفته نیست و تنها پیشانی بر زمین سودن و قرائت صحیح داشتن و در صف اول جماعت ایستادن و... ملاک نیست. باید نماز و بندگی از رنگ ریا پاک و به رنگ الهی صِبْغَةُ اللَّهِ آراسته باشد تا به خدا برسد. تعبیر قرآن چنین است:

وَمَا أَمْرُهُ إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

هیچ دستور عبادی برای مردم نیامده مگر آنکه امر به اخلاص در آن شده است.

۴) خاشعانه باشد

خشوع، حالت قلبی انسان در عبادت و نتیجه توجه کامل به مقام بندگی در آستان الهی است. آنکه نیاز و عجز خود را می‌داند و عظمت و کمال الهی را می‌شناسد و در عبادت، خود را در برابر آن خدای بی‌همتا و آگاه می‌یابد. حالتی متناسب با این حضور پیدا می‌کند، در این حالت قلب، خاشع می‌شود، نگاه افتاده می‌گردد و توجه از هر چیز دیگر بریده و به معبود متوجه می‌شود.

قرآن در توصیف مؤمنان و عبادت‌شان می‌فرماید: الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ در نمازشان خاشع‌اند.

این حالت، محصول آن توجه است، در حدیث می‌خوانیم: أَعْبَدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می‌بینی.

فَصَلِّ لِرَبِّكَ حَتَّىٰ تَنسِيَ مَا تَأْكُلُ وَتَشْرَبُ وَتَلْبَسُ وَتَلْعَبُ وَتَلْعَبُ

چنان نماز را در وقت خودش بخوان که گویا آخرین نماز است. یعنی همواره این حالت را داشتن که گویا فقط برای همین یک نماز، فرصت باقی است.

(۵) مخفیانه باشد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: *أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفَاهَا* پاداش عبادتی بیشتر و بزرگتر است که مخفی تر باشد. این برای آن است که عبادت (به خصوص عبادت‌های مستحب) در حضور جمع، زمینه بیشتری برای تظاهر وریا دارد.

البته این در مواردی است که اسلام، خود امر به عبادت آشکار نکرده باشد، همچون نماز جماعت در مسجد که از نماز فردی در خانه برتر است.

شیطان، دشمن رستگاری انسان است و سوگند خورده است که همواره در راه انسان، چاه گمراهی بکند و پیرنگ گناه پدید آورد و انسان را مانند خودش جهنمی کند. از این رو، برای تباه ساختن عمل انسان، دام می‌گسترده و عبادت او را فاسد می‌کند. یا از راه ریا و خراب کردن نیت. یا پدید آوردن عجب و خودپسندی به خاطر عبادت. یا از طریق سلب توفیق از انسان. و... یا از راه کشاندن به گناه، که موجب تباه شدن و هدر رفتن زحمت انسان در طریق بندگی می‌شود.

همچون کشاورزی که محصول زحمت‌های طاقت فرسایش، با جرقه ای می‌سوزد و دود می‌شود، و یا جامی از آب زلال که با افتادن حشره یا ریختن خاک در آن، آلوده می‌شود.